

## سیاست ضد خلقی و ضد ملی

البته سران مرتجع حاکمیت اسلامی خود نیز تصور روشنی از آنچه که می‌خواهند ندارند و بدین جهت شرایط گوناگون و چه بسا نامعینی را برای تن دادن به پایان جنگ مطرح می‌سازند.

شعاری که بوق و کرناهای رژیم در دهان مردم ساده دل می‌گذارند همانا "جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی" است. ولی به هنگام توضیح دادن مفهوم این شعار به سازمان های بین المللی و کشورهای منطقه مطالب دیگری در میان گذاشته می‌شود. آیت الله خمینی مبلغ شعار "جنگ تا رفع فتنه از عالم" است ولی مجریان سیاست خارجی جمهوری اسلامی گاه تا حد ساقط کردن "رژیم بعث علفی" و یا حتی برکنار شدن شخص "صدام حسین" کوتاه می‌آیند. اینان بدون در نظر گرفتن واقعیات جهان بارها به سران بقیه در ص ۲

جنگ خانمانسوز میان ایران و عراق همچنان ادامه دارد و هر روز تلفات جانی و مالی جبران ناپذیری به طرفین درگیر، دو خلق همسایه و برادر ایران و عراق وارد می‌کند. رژیم عراق که با تجاوز به سرزمین ما آغاز گر جنگ بود، پس از شکست خرمشهر آمادگی خود را برای گفتگو و پایان دادن به عملیات تخصصی اعلام داشت ولی رژیم جمهوری اسلامی از آن هنگام تا کنون علیرغم انواع وساطت ها از سوی سازمان های مختلف بین المللی و شخصیت های جهانی از نشستن پشت میز مذاکره خودداری کرده و می‌کند. ظاهرا گردانندگان جمهوری اسلامی و در رأس آنها شخص آیت الله خمینی در صدد دستیابی به یک پیروزی نظامی هستند و آن را برای مستحکم کردن پایه های متزلزل رژیم خود ضروری می‌دانند.



شماره ۱۰۵ دوره هشتم  
سال دوم ۱۵ خرداد ۱۳۶۵  
بها ۲۰ ریال

## اول ماه مه: سکوی مبارزه با جنگ و جنگ طلبان

پهنای جهان دست در دست خواهران و برادران طبقاتی خود سرود همبستگی و پیروزی سر می‌دهند. کارگران و زحمتکشان در این روز بیش از هر وقت بر هویت طبقاتی خود آگاهی می‌یابند و دشمنان طبقاتی خود را بهتر می‌شناسند. بزرگداشت روز جهانی کارگر به کارگران و زحمتکشان روحیه ای دوچندان برای ادامه مبارزه با این رژیم درنده خو را می‌دهد. کارگران و زحمتکشان با خود عهد می‌بندند تا با گسترش جنبش اعتراضی اول ماه مه سال آینده را در وضعیت بهتری برگزار کنند. امسال، تدارک بزرگداشت روز جهانی کارگر از مدتها پیش از فرارسیدن آن آغاز شد. کارگران با استفاده از ابتکارات مختلف، با بقیه در ص ۵

کارگران و زحمتکشان ایران امسال برای شصت و ششمین بار اول ماه مه، روز جهانی کارگر، را گرامی داشتند. ویژگی اول ماه مه امسال آن بود که در میان آتش و خون و بیگاری فقر و خفقان و سرکوب بیسابقه ای که از سوی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بر کارگران و زحمتکشان میهن مان تحمیل شده است، برگزار می‌شد. اما طبقه کارگر با تجربه ایران علیرغم همه اینها با توجه به اهمیت روز جهانی کارگر استقبال شایسته ای از آن به عمل آورد. بزرگداشت روز جهانی کارگر در جنبش کارگری کشورمان به درستی با جنبش مقاومت و پایداری پیوند می‌خورد. کارگران و زحمتکشان کشورمان در این روز خود را چون تن یکپارچه ای می‌بینند که نه تنها در سراسر کشور بلکه در

## در صورت اتحاد نیروها،

## تلاشی رژیم حتمی است

پس از کاهش بهای نفت و تشدید جنگ، صنایع کشور با مشکلات ارزی بسیاری روبرو شده است. از مدتها پیش گشایش اعتبار توسط وزارت صنایع محدود و یا قطع شده است. بعضی از کارخانه ها مجبورند که ارز صادراتی را به پنج برابر قیمت معمولی بخرند تا بتوانند به کار خود ادامه دهند. افزایش قیمت ارز برای خرید مواد اولیه سبب پایین آمدن سود کارخانه ها شده و سطح تولید به میزان زیادی کاهش پیدا کرده است. تامین ارز به یکی از مشکلات بزرگ دولت ج.ا. تبدیل گردیده است. مشکلی که حل آن به سادگی امکان پذیر نیست. پروژه های عمرانی به دلیل نبود ارز متوقف شده و رژیم همه امکان های موجود را برای پیشبرد هدف های جنگی خود به کار می‌گیرد. بسیاری از پیمانکاران طرف قرارداد با دولت، موفق به دریافت مطالبات خود نشده اند. قیمت مواد خوراکی تا چند برابر افزایش یافته است. مثلا قیمت گوشت آزاد به کیلویی ۱۲۰ تومان رسیده، شکر مورد مصرف کارخانه ها از کیلویی ۱۱۷ ریال به کیلویی ۱۲۰ ریال افزایش یافته است. بهای نارنگی به کیلویی ۶۵ تومان سر می‌زند. دولت قادر نیست که مواد و کالاهای مورد نیاز جامعه را وارد کند و اغلب مایحتاج عمومی در بازارها کمیاب و به چند برابر قیمت به فروش می‌رسد و یا نایاب است.

مواد خوراکی سهمیه ای که کوبین آنها به دست مردم داده شده است، اغلب تامین نمی‌شود و یا خیلی دیر به دست دارندگان سهمیه می‌رسد. بخش چشمگیری از مهاجران روستایی که تعداد آنها متجاوز از چند میلیون نفر است و اغلب در حاشیه شهرهای بزرگ، مراکز استان ها و به ویژه تهران مستقر گردیده اند از دریافت کوبین محروم شده اند. فقر و گرسنگی پیداد می‌کند. کارمندان دولت، کارگران و دیگر زحمتکشان بقیه در ص ۲

## مبارزه صنفی سیاسی زنان راسا زمان دهیم

حقوق سیاسی و اجتماعی شان و جلب هر چه بیشتر زنان زحمتکش جامعه به مبارزه سیاسی و ارتقاء مطالبات صنفی آنان به سطح خواست های سیاسی، اهمیتی اساسی کسب می‌کند. این امر زنان را از حالت انزوا و انفعال خارج می‌کند و نیروی بالقوه و پراکنده آنان را به نیروی بالفعل عظیمی مبدل می‌سازد. همانگونه که پیشوای بزرگ زحمتکشان جهان لنین در این رابطه گفته است: "خشم آگاهانه زنان، نیروی کمکی عظیمی برای جنبش انقلابی توده هاست".

تلاش در راه رشد سیاسی زنان جامعه و جلب آنان به پیکار صنفی - طبقاتی تنها و تنها با گسترش مبارزه توده ای در میان زنان کشور بقیه در ص ۷

در شرایط خفقان آلود حاکم بر کشور که جنبش عمومی خلق را علیه رژیم ارتجاعی "ولایت فقیه" هر روز ابعاد وسیع تری بخود می‌گیرد، توجه به مبارزات صنفی - سیاسی زنان - به عنوان نیمی از افراد جامعه - و بررسی ابعاد و زمینه های آن حائز اهمیت ویژه است.

سیاست ارتجاعی هیئت حاکمه و دیدگاه قرون وسطایی رژیم نسبت به مقام زن در خانواده و اجتماع مدتهاست که زمینه ها و شرایط مبارزه را در میان زنان فراهم آورده است. اما هنوز این مبارزه پراکنده و محدود است و باید هر چه سریع تر به مبارزات سیاسی متحد و پیگیر بدل گردد. از این رو در جامعه پرچوش امروز ایران، رشد آگاهی سیاسی زنان و آشنایی آنان با

## ضر به نابود کننده بر ضد انقلاب

در افغانستان در ص ۸

## گامهای لغزنده جهانسالاری نوین

در ص ۴

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## در صورت اتحاد نیروها ...

شهر و روستا قادر به تامین زندگی خود نیستند و افزایش دستمزد از عمده ترین خواست های آنان است؛ خواستی که دستیابی به آن امکان پذیر به نظر نمی‌رسد.

وزارت کار از طریق اجرای طرح طبقه بندی مشاغل حداکثر اجازه ۷ درصد افزایش دستمزد را می‌دهد، در حالی که قیمت مایحتاج عمومی در مواردی چندین برابر بوده است. با اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بر مبنای ۷ درصد افزایش حقوق، به میزان کل دریافتی بخشی از کارگران ماهانه حداکثر ۲۰۰ تا ۴۰۰ تومان اضافه می‌شود، رقمی که در مقایسه با نیازهای واقعی آنها بسیار ناچیز است. این افزایش شامل بخش اعظم کارگران نمی‌شود.

مساله مسکن یکی از بزرگترین معضلات اجتماعی است. با طرد زنان از محیط کار، درآمد ماهانه اغلب خانواده‌ها برای پرداخت اجاره بهای مسکن کافی نیست و شهروندان ناگزیرند برای تامین کمبود هزینه زندگی و مسکن، خود را به آب و آتش بزنند.

شوراهای فرمایشی در برخی از کارخانه‌ها تشکیل شده‌اند و رژیم تلاش می‌کند از طریق این شوراها مقاصد خود را در کارخانه‌ها اجرا کند. اما بخش اعظم کارگران در برابر این شوراها، که اکثریت افراد تشکیل دهنده آنها با نمایندگان کارفرما و دولت است، مقاومت می‌کنند. هنگام انتخابات، در بیشتر کارخانه‌ها، بخش مهمی از کارگران جلسات انتخابات را به نشانه اعتراض ترک گفته‌اند. آنها نمایندگان دستچین کارفرما را قبول ندارند. ماموران کمیته و سپاه برای جلوگیری از "اغتشاش" در اغلب واحدهای بزرگ کارگری مستقر شده‌اند و به حالت آماده باش درآمده‌اند. در واحدهای

## سیاست ضد خلقی ...

کشورهای عربی منطقه "نصیحت" کرده‌اند که گویا تا صدام در عراق حاکم باشد منطقه روی آرامش و امنیت نخواهد دید و از آنان می‌خواهند که دست از حمایت صدام بردارند و به گردانندگان جمهوری اسلامی امکان بدهند تا با درهم شکستن ارتش عراق، "مجلس اعلاي اسلامی عراق" را به کشور همسایه صادرکنند و یک رژیم دست نشانده ولی فقیه را در آنجا حاکم سازند. اما خلق های عرب که شاهد انواع دیگر اعمال مداخله جویانه و تهدیدات سران جمهوری اسلامی علیه خودنیز هستند، به حق با نظر شک و تردید به سوگندهای بی‌پشتوانه سران رژیم ولایت فقیه که گویا قصد دارند با تمام همسایگان خود در صلح و صفا زندگی کنند می‌نگرند.

نمونه بارز خصلت مداخله جویی و بی‌اعتنایی به حق حاکمیت کشورهای همسایه را در رفتار جمهوری اسلامی با کشور انقلابی افغانستان می‌توان دید که با آموزش دادن و فرستادن

روزنامه‌های مجاز کشور نیز انعکاس می‌یابد. روستائیان نه تنها به حقوق واقعی خود دست نیافته‌اند، بلکه به دلیل اعتراض به سیاست ضد مردمی رژیم به اعتراف روزنامه‌های مجاز، شلاق هم می‌خورند. اغلب روستاهای کشور روز به روز هرچه بیشتر از سکنه خالی می‌شود.

پس از بهاران های اخیر و حملات خونبار "الفجر" ۸ و ۹، که منجر به کشته شدن دهها هزار نفر شد، مخالفت با جنگ به اشکال مختلف برزومی‌کنند. کار به جایی رسیده که در صف های مختلف، در مجامع عمومی، در اتوبوس ها، تاکسی ها، ادارات و سازمان دولتی، مردم رسماً و بطور صریح با سیاست جنگ طلبانه رژیم مخالفت می‌کنند.

علاوه بر مسائلی که به آنها اشاره شد، تعداد مراکز قدرت و درگیری میان جناح های گوناگون حاکمیت ج.ا. نشان دهنده آن است که این مشکلات و مسائل نه تنها حل نمی‌شوند بلکه روز به روز تشدید خواهند شد.

با توجه به واقعیت های یاد شده، به عنوان مشت نمونه خروار، ضرورت سازماندهی مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم روز به روز بیشتر احساس می‌شود. بایستی مبارزه توده‌ها در زمینه های مختلف، از شکل خودپو و غیرمتمشکل به اشکال سازمان یافته و متمشکل ارتقاء پیدا کند. برای دست یافتن به چنین هدفی وظیفه هسته های حزبی است که با نهایت هشجاری و پشتکار و با در نظر گرفتن جوانب مختلف، مبارزه مردم را در جهت سرنگونی رژیم سازمان دهند. آنچه در این میان حائز اهمیت است، همکاری همه نیروهای مترقی و انقلابی برای پیشرفت امر مبارزه است. ما از نیروهای مترقی و انقلابی طلب می‌کنیم که برای دستیابی به هدف مشترک یعنی سرنگونی رژیم "ولایت فقیه" با یکدیگر متحد شوند. تنها بر بستر این اتحاد است که می‌توان رژیم را متلاشی ساخت.

روحانیون حاکم بی نصیب بگذارد. صحبت ما بر سر انتخاب نام "راهیان کربلا" است. کربلا شهری است واقع در یک کشور همسایه و هرکس که راهی آنجاست باید مطابق رسوم و مقررات بین المللی گذرنامه بگیرد و ویزا تهیه کند و برای زیارت به آنجا برود. اما تشویق و ترغیب کردن مردم به گشودن راه کربلا به زور جنگ و خونریزی، معنای دیگری بجز تجاوز به حق حاکمیت ملی یک کشور همسایه ندارد. اینجا دیگر صحبت بر سر "بعث عقلی" نیست، بلکه حقوق مسلم قانونی خلق عراق مطرح است.

اگر قرار باشد کار بر این منوال پیش برود، سران جمهوری اسلامی می‌توانند فردا کمک های رژیم سعودی به رژیم عراق را بهانه کنند و لشکری های "راهیان مکه" را تشکیل دهند که بجای هواییهای مسافربری، از تانک و زره پوش برای رفتن به "خانه خدا" استفاده کنند! بدون تردید این عوامفریبی های خطرناک که با ترغیب و تشویق به کشتن و کشته شدن همراه

تولیدی بسیج کارگری از بالا سازمان داده می‌شود. اما علی‌رغم وعده و وعیدها و حتی تهدیدهای رژیم برای فریب و ارعاب کارگران، اکثریت کارگران از شرکت در مراسم فرمایشی سربازمی‌زنند. دولت قادر نیست که کارگران را به جبهه جلب کند. در اغلب واحدهای دولتی و غیردولتی ناراضیاتی عمومی چشمگیری است. کارگران، کارمندان و دیگر زحمتکشان خشم و ناراضیاتی خود را به اشکال مختلف ابراز می‌دارند.

در دانشگاه های کشور سیستم پلیسی حاکم است. برای بازگشت دانشجویان اخراجی، فرم هایی توسط "وزارت اطلاعات" تهیه شده و در اختیار آنان قرار می‌گیرد که در بازجویی زندانیان سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. پرکردن این فرم ها تنها شامل دانشجویان اخراجی نمی‌شود، بلکه شامل دانشجویانی که ناراضیاتی خود را نسبت به مسائل مختلف جامعه بیان می‌کنند نیز می‌گردد. نحوه پاسخگویی به سوال های پلیسی ماموران تفتیش عقاید، ملاک پذیرش یا عدم پذیرش دانشجویان اخراجی و یا ماندن و نماندن دانشجویان در حال تحصیل در دانشگاه می‌شود. با این همه علی‌رغم فشاری که در مورد دانشجویان اعمال می‌شود و علی‌رغم چورتور و اختناق حاکم برداشگاه ها و برنامه درسی سنگین مذهبی که برای دانشجویان تدارک دیده شده، موج اعتراض در دانشگاه ها بالا گرفته است. نشانه های این اعتراض رشد یافته، از شعارنویسی روی دیوارها گرفته، تا به مسخره گرفتن کلاس های عقیدتی دیده می‌شود.

زمین داران بزرگ، همچنان به روستاها بازمی‌گردند و زمین هایی که به دستور خوبی‌های برای چند ماهی توقیف شده بود، مجدداً در اینجا و آنجا در اختیار خان ها و بزرگ مالکان قرار می‌گیرد. شرایط زندگی روستائیان بسیار بد شده و اعتراض ها و ناراضیاتی آنان حتی در

باند های مسلح و حتی اعزام پاسداران ایرانی به داخل آن کشور، قصد دارد رژیم ضد انسانی "ولایت فقیه" را به آنجا نیز صادر کند.

روحانیون حاکم بر ایران با طرح شعارهایی از قبیل "راه قدس از کربلا می‌گذرد" و یا "جنگ، جنگ تا رفع کل فتنه از عالم" اعتقاد خود را به اصلت جنگ و خونریزی و کشتار برای صدور عقاید خود نمایان می‌سازند.

همه می‌دانیم که طی ماه های اخیر، سران جمهوری اسلامی کارزار وسیعی را برای پرکردن جبهه‌ها با نیروهای تازه نفس، زیر عنوان "راهیان کربلا" بر اه انداخته‌اند و روزی نیست که از گوشه و کنار کشور، لشکری های نوین "راهیان کربلا" عازم جبهه‌ها نشوند. ما اینک قصد نداریم بررسی کنیم که چرا پس از یکی دو سال تدارک مداوم، بلافاصله پس از عملیات "الفجر" ۸ و ۹ رژیم احتیاج به بسیج عمومی پیدامی‌کند و حتی نمی‌خواهد زنان را نیز که خود از صحنه زندگی اجتماعی کنار گذاشته، از فیض کشته شدن "در راه امیال امپراطوری

## رفیق حسن خاشع درگذشت



با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که رفیق حسن خاشع، هنریشه معروف ویکی از قدیمی ترین اعضا حزب توده ایران، به دنبال یک بیماری سخت درگذشت. حسن خاشع یکی از نخستین اعضا حزب توده ایران و یکی از شاگردان و باران وفادار عبدالحسین نوشین هنریشه و کارگردان بزرگ و بنیانگذار تئاتر نوین ایران بود. او در تئاترهای فردوسی و سعدی که به همت نوشین تاسیس شد شرکت موثر داشت و در برنامه هایی که نوشین روی صحنه می آورد نقش های مهمی بعهده می گرفت و آنها را با موفقیت ایفا کرد. در سال های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، خاشع مانند بسیاری از دیگر اعضای حزب توده ایران مورد تعقیب کودتا چیان قرار گرفت و ناگزیر از مهاجرت شد. در مهاجرت، خاشع هم به مطالعه و تکمیل تحصیل در رشته خود و هم به فعالیت سیاسی ادامه داد. بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، خاشع به ایران بازگشت، به این امید که بتواند حاصل مطالعات و تجارب خود را در رشته تئاتر به هومپاتانش عرضه کند ولی در آنجا همه درها را بسته دید. حاکمان جدید، این دشمنان سوگندخورده دانش و فرهنگ، دمار از روزگار هنرمندان و فرهنگیان درآورده بودند. بدین ترتیب خاشع برای دومین بار، این بار برای همیشه، با اندوهی بی پایان خاک میهن خود را ترک کرد.

خاشع انسانی بود ساده، صادق، صمیمی و شاد. او تا آخرین لحظه زندگی به آرمان هایی که تمام عمرش را در راه تحقق آنها صرف کرده بود، وفادار ماند. او یک روز پیش از مرگش، به یکی از دوستانش که از او در بیمارستان عیادت کرد گفته بود: "خوشحالم که تا آخرین لحظه زندگی به ایده آل های خود وفادار ماندم."

ما مرگ حسن خاشع، رفیق و دوست عزیز و قدیم خود را به تمام اعضای حزب توده ایران و افراد خانواده او تسلیت می گوئیم و برای آنها بردباری و شکیبایی آرزو داریم. اعضای حزب توده ایران نام و یاد حسن خاشع را هیچگاه از یاد نخواهند برد.

## کارگران و بزرگداشت اول ماهه

از فرد پایان داده شده است. در جهان سرمایه داری زحمتکشان تحت رهبری سازمان های صنفی، طبقاتی و سیاسی خود علیه استثمار سرمایه داری و امپریالیست های جهان خوار مبارزه می کنند...

"اول ماهه ... را امسال هم در شرایطی در میهن بلا دیده خود جشن می گیریم که رژیم ترور و اختناق جمهوری اسلامی روزبه روز آتش جنگ خانمانسوز و میهن برپاده را شعله ورتر می سازد... جوانان و نیروی کار کشور را در کوره های جنگ می سوزاند و ثروت های ملی را بر باد می دهد."

"برای دفاع از زندگی انسانی که حق کارگران و زحمتکشان میهن ماست، برای دفاع از صلح و آزادی، برای دفاع از حقوق از دست رفته و آینده کودکان، زحمتکشان میهن متحد و متشکل شوید!

درواه احمای سندیکاها و تشکل های کارگری وسیعاً شرکت جوئید.

با اعتراضات و تظاهرات خود مانند روزهای انقلاب بهمن ۵۷ کمر رژیم را درهم بشکنیم! رژیم جمهوری اسلامی تنها با شیوه سرکوب و اراغاب به حکومت ارتجاعی خود ادامه می دهد، تنها با همبستگی و اتحاد است که می توان به مقابله با آن رفت."

در پایان ضمن فراخواندن کارگران و زحمتکشان به همصدائی با کارگران سراسر جهان در راه تامین صلح جهانی و پایان دادن به جنگ ایران و عراق افزوده می شود:

"زحمتکشان میهن! اول ماهه را با اتحاد و همبستگی خود در راه سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی جشن بگیریم و با اعتراضات و تظاهرات به مقابله با حکومت ضد کارگری رژیم برویم." تراکت با شعار "پیروزی در اتحاد ماست" پایان می پذیرد.



دانش آموزان مجبورند با چکمه لاستیکی سرکلاس بنشینند و به نوبت با سطل و کاسه آب جمع شده را از کلاس خارج کنند. هر اطاق این مدرسه فقط یک پنجره کوچک دارد. روزهای ابری از چراغ زنبوری برای درس خواندن استفاده می شود. معلمین این روستا از نقاط دیگر اعزام می شوند که اغلب بخاطر بدی راه و نبودن وسیله، مجبورند که ماه ها بی خبر و دور از خانواده در روستا مانگار شوند. دانش آموزان تا کلاس پنجم در همین مدرسه درس می خوانند و سپس اکثریت آنها اجباراً ترک تحصیل می کنند، زیرا رفتن به شهر یا روستاهای اطراف به دلیل فقر و تنگدستی و نبودن چاده و وسیله نقلیه امکان پذیر نیست.

روستای "بالابند" فاقد آب آشامیدنی است و در آن بیماری های میکروبی پیداد می کند. پزشکی وجود ندارد و بعلت عدم ارتباط با شهر تا بقیه در ص ۵

در آستانه اول ماهه امسال علیبرغم فشار رژیم کارگرسنیز ج ۱۰ جهت جلوگیری از برگزاری مراسم اول ماهه و محدود کردن هرگونه امکان طرح و گفتگو بیامون چگونگی پیدایش روز اول ماهه، از سوی هواداران حزب توده ایران، تراکت های افشاگرانه مختلفی در میان توده های زحمتکشان توزیع شد. که از میان تراکت های رسیده یکی را انتخاب و ما باهم مروی بر محتوای رزمجویانه آن داریم.

در این تراکت که حاوی طرح زیر می باشد و با شعار "گرامی باد یکصدمین سالروز اول ماهه مه روز همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان" شروع می شود، از جمله می خوانیم:



فرخنده یاد جشن اول ماهه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان

یروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

"نزدیک به یک قرن از اولین تظاهرات همبستگی بین المللی زحمتکشان جهان می گذرد... اکنون در یک ششم جهان به استثمار فرد

## تصویری از یک روستا

روستای "بالابند" که در ۲۲ کیلومتری تنکابن و در یک منطقه کوهستانی قرار دارد، دارای ۱۵۰۰ نفر جمعیت است و اکثر خانواده های ساکن آن بیش از ۵ فرزند دارند. یک چاده ۸ کیلومتری "بالابند" را به روستای همجوار متصل می کند. برای ارتباط با شهر از چاده مال رو با پیچ های خطرناک استفاده می شود. اهالی ده برای رفتن به شهر مجبورند سوار وانتی بشوند که احشام را برای فروش می برد. تنها دبستان روستا را باید از نزدیک تماشا کرد تا به وضوح تحصیل کودکان بی پرد. در این مدرسه قدیمی سقف چوبی اطاق ها به علت پوسیدگی ریزش کرده است و باران مستقیماً به داخل کلاس ها می بارد. هنگام باران های شدید سیلاب برکف کلاس ها جاری می شود و

## گام‌های لغزنده جهانسالاری نوین

نظامی به صلاح‌دید خودمان " را فراهم می آورند.

افزون بر این در مقایسه با پایگاه های نظامی چنانکه نیویورک تایمز به درستی اشاره می کند همواره ممکن است از کنترل ایالات متحده خارج شوند، این نیروها همیشه در کنترل باقی خواهند ماند.

اما با اینهمه، مسایل بسیاری در این عرصه برای ایالات متحده لاینحل مانده است. " واحدهای حامل نیروهای ویژه حاوی مقدار کمی نیروهای نظامی هستند". آنها خود از نظر نظامی " هدف های بالقوه " محسوب می شوند. و " بسیاری از هواپیماهایی که آنها حمل می کنند می بایست صرف دفاع از خودشان در برابر حملات هوایی و دریایی بشود". افزون بر این این هواپیماها قادر به حمل مقادیر زیادی بمب و مجهز به دستگاه های هدایت کننده موثر نیستند. سرانجام تاکتیک‌هایی که این نیروها بکار می برند بیشتر ترور روانی و ارباب است که اگر چه ممکن است افراد ضعیف النفس را بترساند اما نمی تواند روی خلق هایی که نسل ها برای استقلال خویش چنگیده اند تاثیر بگذارد. این خلق ها برای جان انسان ها کمتر از امریکایی ها ارزش قایل نیستند، اما آنان به تجربه شخصی آموخته اند که حق زندگی، آن زندگی که شایسته انسان ها است، تنها در مبارزه ای تلخ و دشوار بدست می آید.

این واقعیت ، مهمترین عاملی است که پایه نظامی سیاست جهانسالاری نوین را از هم اکنون متزلزل کرده است.

ترجمه از " عصر جدید " شماره ۲۱ - سال ۱۹۸۶

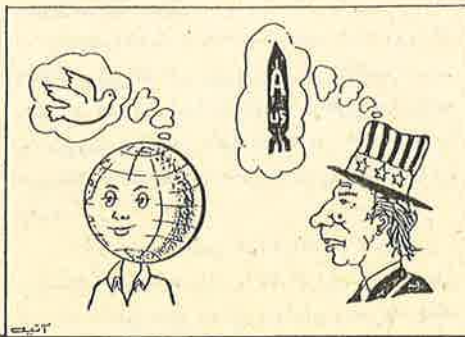
### ضرر به نابودکننده...

گلوله توپ و گلوله راکتیبو، میلیون ها فشنگ برای تفنگ خودکار ، تفنگ معمولی و مسلسل به عنیبت گرفته شد.

دشمن بیش از ۲۰۰۰ کشته و نزدیک به دو برابر آن زخمی بجای گذاشت. گروهی از رهبران راهزنان از پای درآمدند. در میان کشته شدگان معاون جلال الدین و همچنین فرمانده گارد امنیت پایگاه و رئیس مرکز آموزشی مشاورد خارجی اروپایی را می توان دید. خود جلال الدین با داشتن چند زخم و با ریش سوخته بدر برده شد تا احتمالاً در پاکستان بمیرد. بسیاری دیگر از سرکردگان نیز زخمی شده اند. درهم شکسته شدن مقاومت در پایگاه " ژاوارا " و تسخیر آن درسی روشن برای تمام کسانی است که هنوز آرزوی بازگرداندن افغانستان به گذشته را دارند و امیدوارند به کمک باندهای مزدور روند دگرگونی های ترقی خواهانه را متوقف سازند.

**مورگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان!**

ندارد! تحقق ببخشد. همگان اجازه دارند که سلاح و پول امریکایی بچنگند ضد انقلابیون نیکاراگوئه و افغانستان و حتی سربازان اسرائیلی به جز امریکایی ها، چرا که تجربه ویتنام نیرومندتر از آن بوده است که به سادگی بتوان آن را ریشه کن کرد. واشنگتن آشکارا از تکرار تجربه ویتنام هراس دارد. امریکایی ها حتی با وجود سنگین ترین چوسازی های هیستریک ایجادیک ویتنام دیگر با هزاران کشته و معلول را نخواهند بخشید. از این رو ایالات متحده ترجیح می دهد که بوسیله سازمان های جاسوسی یا بمباران های هوایی، کشتی های توپدار یا استفاده از موشک های کروز که از کشتی های ناوگان ششم بسوی لیبی نشانه گیری کردند، بر کشورهای نافرمان ضربه وارد آورد. این تاکتیک جنگ و گریز سربازان امریکایی امکان می دهد که سرعت از دایره آتشی که برافروخته اند به پایگاه ها و ناوهای هواپیما بر



خویش عقب بنشینند.

اما همچنان که بمباران های هوایی آلمان نازی بموقع خود آموخته است، گسترده ترین بمباران های هوایی هم بخودی خود پیروزی آفرین نیستند. ممکن است گفته شود که قدرت ضربتی بمب افکن ها از آن زمان تاکنون افزایش یافته است. اما قدرت دفاع ضد هوایی هم پیشرفت کمی نداشته است. امریکایی ها خود به تجربه فهمیده اند که طی بمباران لیبی با چه دفاع ضد هوایی موثری سرو کار داشته اند. و این درحالی بوده است که هدف های بمباران آنها هدف های بقول پنتاگون " درجه چهار " و مناطق مسکونی بوده اند که از پوشش ضد هوایی ویژه ای برخوردار نبوده اند.

اما درباره نیروهای ویژه دریایی که مدافعان جهانسالاری نوین امید خود را به آنها بسته اند چه می توان گفت؟ اکنون سال هاست که این نیروها دریاها و اقیانوس ها را می پیمایند. بنانه قاعده این نیروها در سواحل کشورهای می شوند. بعنوان هدف انتخاب شده اند متمرکز می شوند. لبنان، لیبی، نیکاراگوئه و گراناوا از جمله این اهداف هستند. تحلیل گران نظامی امریکا از برخی جهات رجحان هایی برای استفاده از این نیروها قایل هستند. از یک سو این نیروها " خطر تلفات امریکایی ها را کاهش می دهند". از سوی دیگر امکان " استفاده با انعطاف از نیروی

مارکسیسم - لنینیسم همیشه بر آن بوده است که صدور انقلاب امری بیهوده است. در عین حال هرگز نمی توان وضع اجتماعی - اقتصادی هیچ نقطه ای از جهان را بطور مصنوعی و از راه صدور ضد انقلاب ثابت نگاه داشت. اما همه شواهد حاکی از آن است که رهبران کنونی ایالات متحده امریکا خواهان درک این واقعیت نیستند. کاسپارو این برگر وزیر دفاع امریکا در توضیح اهداف سیاست ایالات متحده در دوره " ضدیت سرسختانه با اتحاد شوروی " روی مقابله با اتحاد شوروی در سطوح منطقه ای و جهانی تاکید کرده است. این امر به معنای شعله ور ساختن فعالیت های شوروی ستیزانه و ضد سوسیالیستی در سراسر جهان است و خود بر پایه فلسفه معینی استوار است.

جان فوستر دالس وزیر خارجه ایالات متحده امریکا در دهه پنجاه ، دوره جنگ سرد، سهم مهمی در تدوین این فلسفه داشته است. بنا بر نظریه او در شرایط مقابله ایالات متحده با اتحاد شوروی ، هر کشوری که به استقلال ملی دست می یابد و در نتیجه از سیطره واشنگتن خارج می شود، یک " خلاء سیاسی " ایجاد می کند که نفوذ ایالات متحده می بایست آن را پر کند.

پس از دالس همه زمامداران امریکا به درجات مختلف بر مبنای این نظریه عمل کرده اند. در این اواخر این نظریه در " جهانسالاری نوین " (نئو گلوبالیسم) و " جنگ های با شدت کم " بازتاب یافته است. این آئین به ایالات متحده اجازه می دهد که نیروهای خارجی و داخلی را که مخالف حکومت های کشورهایی هستند که سیاستی مستقل از امپریالیسم ایالات متحده را دنبال می کنند، سازمان دهد، تسلیح و به سرنگونی این حکومت ها تشویق کند و حکومت های عروسکی طرفدار ایالات متحده را بر سر کار آورد. ایالات متحده خود را محق می داند که از هر شیوه ای - از جمله اعمال قهر - برای جلوگیری از پیدایش وضعیت های نامطلوب و ایجاد وضعیت های مطلوب برای خویش در هر نقطه ای از جهان استفاده کند.

هنوز بیش از شش ماه از زمانی که رسانه های گروهی ایالات متحده سخن گفتن از جهانسالاری نوین را آغاز کردند نمی گذرد. اما هم اینک روشن شده است که سیاستی که بر مبنای این آئین استوار است با بن بست ، و آنهم با بن بست خطرناک مواجه شده است.

نخست آن که ثابت شده است که تاکتیک های نظامی که پایه این سیاست را تشکیل می دهند چندان اثر بخش نیستند.

این محور این تاکتیک ها کدامست ؟ پیش از همه، پیش فرض که پیشرفت تکنولوژی نظامی به واشنگتن اجازه می دهد که بتواند بلند پروازی های امپریالیستی خود را با حداقل تلفات جانی - البته جان امریکایی ها، چرا که خون غیر امریکایی ها در این محاسبات چندان اهمیتی

## به مامی نویسنده

کشف جسد سه دختر در چاده کرج

در هفتم بهمن ماه در نقاط مختلف چاده کرج جسد سه دختر پیدا شد که مورد تجاوز قرار گرفته و سپس با طناب خفه شده بودند. این سه قتل بدون ارتباط با هم و در ساعت های مختلف اتفاق افتاده بود. اما پزشک قانونی تشخیص داد که شیوه عمل در مورد هر سه قتل یکسان است و قاتلان هر سه دختر عضو یک باند هستند. کمیته از خانواده های دختران مقتول خواست که موضوع را مخفی نگه دارند تا شاید ماموران بتوانند باند را کشف کنند.

در ماه های اخیر جسد چندین زن و دختر جوان در بیابان های اطراف تهران و دیگر شهرها پیدا شده که قبل از کشته شدن مورد تجاوز قرار گرفته اند.

آبادان از مردم تخلیه شد

در جریان حمله به "فاو" بخشی از معدود کسانی که تا کنون حاضر به ترک آبادان نشده

## اول ماهه: سکوی ...

تلفیق سنت های محلی و شیوه های نوین، به سازماندهی برگزاری مراسم پرداختند و تا آنجا که ممکن بود کمیته هایی بدین منظور تشکیل دادند. هر کجا کمیته های برگزاری تشکیل نشد تدارک برگزاری مراسم از طریق تشکل های موجود و یا هسته های مخفی سازماندهی شد. از میادین وسیع نفت، پالایشگاهها، سالن های طویل نورد و مونتاز، تاراضی وسیع کشت و صنعت ها، در کارگاه های کوچک تراشکاری و ریخته گری و دوزندگی یا ادارات چندین طبقه، در معادن اعماق زمین یا در کشتی ها و قایق ها، بر سینه آب های شمال و جنوب کشورمان، همه جا از شور برگزاری اول ماه مه میشد نشانه ای یافت.

سازماندهی تدارک برگزاری مراسم اول ماه مه خود به جنبش مقاومت گسترده ای تبدیل شد. شعارهای مبارزاتی صنفی و سیاسی محکمتر از همیشه تکرار گردیدند؛ مرگ پرچنگ، ما صلح می خواهیم، با اخراج ها مقابله کنیم! به بیکاری پایان دهیم! برای ایجاد تشکل های صنفی مستقل خود مبارزه کنیم! قانون کار باید با نظرات ما تدوین شود! ما ثابت ماندن سطح دستمزد و حقوق را محکوم می کنیم! دستمزدها باید افزایش یابد... عده ای مسئول تهیه شیرینی شدند. پول ها جمع آوری می شد. متون سخنرانی تنظیم می گردید. کارگران توده ای و انقلابی چشم انتظار پیام حزب بودند. پیام حزب به مناسبت اول ماه مه با بزرگداشت این روز شده است. ۴۴ سال است که حزب کارگران و زحمتکشان را به بزرگداشت این روز فرامی خواند و خود در تدارک آن پیشگام می شود. مطابق معمول بخش مهمی از امر تدارک صرف

بودند مجبور به خروج از شهر شدند. این افراد عمدتاً پیرزنان و پیرمردان و خانواده های بی سرپرستی بودند که به دلیل فقر مالی حاضر شده بودند خطرماندن را به جان بخرند. در حال حاضر اغلب این افراد در اهواز و دیگر شهرهای خوزستان آواره و سرگردان هستند.

محافظان مسلح، تنها تماشاگران نمایشگاه

نمایشگاه های عکس و کتاب که از جانب ارگان های تبلیغاتی رژیم در مناطق مختلف تهران برگزار می شود کاملاً سوت و کور است. این نمایشگاه ها در پر رفت و آمد ترین خیابان ها دایر می شود، اما حتی در شلوغ ترین ساعت های روز تنها بازدیدکنندگان این نمایشگاه ها محافظان مسلح آنها هستند.

شرط دادن بذر، تراکتور و...

در روستاها نفرت از چنگ روز به روز بیشتر می شود. دهقانانی که به چپه نمی روند و یا از کمک به چپه دریغ می ورزند زیر فشار شدید قرار می گیرند. مثلاً شرط دادن بذر، تراکتور و بقیه در ۶

مبارزه با توطئه ها و خرابکاری های حکومت و کارفرمایان و عمال آنها که قصد برهم زدن و تخفیف مراسم را دارند، گردید. "انجمن های اسلامی" و "آنتن ها" و "آواکس" های رژیم که تقریباً همگی برای کارگران شناخته شده اند، بیش از هر وقت در صدد شناسایی فعالین برآمدند. بر تعداد گشت های بسیج اضافه شد. محاصره نظامی واحدها تشدید گردید. کارفرمایان تاکید کردند که نباید زمان کار صرف برگزاری مراسم شود، ولی کارگران که با این ترندها آشنا نیستند، غافلگیر نشدند. یکی از مهمترین خواست های کارگران که در چند سال گذشته همواره با نزدیک شدن روز جهانی کارگر شدت می گیرد، اعلام این روز به عنوان روز تعطیل عمومی و رسمی است. به همین دلیل امسال نیز وزارت کار متقابلاً اطلاعیه صادر کرد که "روز کارگر تعطیل نیست" و بدین ترتیب بازم بر نفرت کارگران از خود افزود.

برنامه امسال رژیم به منظور برگزاری مراسم اول ماه مه بسیار خودافشاگرانه بود. دیگر از هیاهوی سال گذشته خبری نبود. این بار نه استادبوم صدمه زانفری "آزادی"، بلکه استادبوم بیست و چند هزار نفری شیرودی (امجدیه) به عنوان محل مراسم انتخاب شده بود. امسال نه تنها رئیس جمهور در مراسم شرکت نکند، بلکه حتی قرار قبلی شرکت رئیس مجلس نیز لغو شد و به سخنرانی رئیس بنیاد شیعیه قناعت کردند. همه اینها نشان می دهد که رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی های و هوی سال گذشته رانه به راستی به دلیل بزرگداشت کارگران و زحمتکشان بلکه به دلیل ترس از اوجگیری مبارزه آنها و در ادامه سیاست فریبکارانه خود به راه انداخت. اما مقاومت کارگران در سال گذشته در گسیل اجباری به استادبوم، خالی ماندن بخش بزرگی از جایگاه ها و ترک وسیع و پیش از موعد

## تصویری از یک ...

کنون مادران و کودکان بسیاری هنگام زایمان تلف شده اند. در این روستا از مغازه و فروشگاه و حتی یک نانواپی خبری نیست و مایحتاج مردم به فواصل طولانی توسط یک وانت بار از تنکابن تهیه می شود. در "بالابند" امکانات کشاورزی وجود ندارد و برای تهیه بذر و کود و حتی فروش محصول در شهر ماهها باید انتظار کشید. زنان ده همراه شوهران و فرزندان خود به دامداری و کشاورزی و کارهای دستی می پردازند با این حال چرخ زندگی همه لنگ است.

وقتی پای صحبت اهالی روستا می نشینی، با خشم و نفرت به گورستان ده اشاره می کنند و از سه شهید این روستای کوچک در جریان پیروزی انقلاب و سقوط شاه سخن می گویند. آنها می گویند "به هریک از روستاهای اطراف بروی وضع بهتر از این نیست. آخوندها با دست های پینه بسته ما به حکومت رسیدند، اما به همه وعده های خود پشت پا زدند. ما می دانیم که این بار هم ما زحمتکشان باید ظالم را بریزیم، این را هم می دانیم که آن روز چندان دور نخواهد بود."

مراسم، همه این عوامل که نشان دهنده نفرت اقشار هرچه وسیعتری از کارگران از سیاست ضدکارگری رژیم بود، آنها را از دست زدن به تجربه آزموده شده بازداشت. رژیم همچنین به خیال خود با تشدید سیاست ارباب و سرکوب و بکپروبندها و اخراج های وسیع، جنبش کارگری را در حالت تدافعی قرارداد و کمتر نیاز به چنجال های تبلیغاتی احساس می کند. از سوی دیگر رژیم با توسل به قویترین حربه تبلیغاتی خود یعنی شعار "چنگ، چنگ تا پیروزی" که در عین حال <sup>کودک</sup> کنیز هست، سعی کرد تا همه توجه را از دیگر مسایل صنفی و سیاسی منحرف و به این کانون جلب کند. رژه نمایشی گروهی از نیروهای بسیج کارخانجات در روز کارگر، مواد قطعنامه که عمدتاً حول همین امر دور می زد و سپس اعزام عده ای به چپه ها، بخشی از این سیاست تبلیغاتی رژیم بود. ولی همه این تمهیدات ارتجاعی نمی تواند از رشد جنبش ضد چنگ و ضد رژیم در میان توده های کارگر جلوگیری کند. مقاومت کارگران در قبال سیاست جنون آمیز ادامه چنگ به ویژه در ماه های اخیر چشمگیر بوده است. بسیاری از کارگران انقلابی و فعالین صنفی در مراسم ماه مه امسال پایان فوری چنگ را یکی از خواست های مهم کارگران اعلام کرده اند.

در حال حاضر وظیفه همه نیروهای مترقی و انقلابی و از جمله اعضا و هواداران حزب ماست که مبارزه کارگران علیه چنگ را سازمان دهند. باید با شعار "جبهه های جنگ را تحریم کنیم!" مبارزه روشنگرانه و سازمان گرانه خود را در میان کارگران و زحمتکشان تشدید کنیم. طبقه کارگر همانگونه که پرچم مبارزه برای پیرون راندن متجاوزین را در سال های ۶۱-۵۹ در دست داشت، اکنون نیز می تواند در پایان دادن به این جنگ امپریالیسم پرافروخته پیشگام باشد.

## درسیاها چه می گذرد؟

### به مامی نویسنند

یا کود به دهقانان این است که حداقل یک عضو خانواده در جبهه شرکت کرده باشد.

"سیزده" چگونه به در شد؟

مراسم "سیزده بدر" در مناطق گوناگون کشور با شرکت پر شور مردم انجام شد و با وجود کارشکنی های سازمان یافته عوامل رژیم حتی در برخی نقاط، از جمله سواحل شمال کشور، مردم با پخش موسیقی و رقص و آواز جشن گرفتند. اما عوامل سرگوبگر و قشریهای وابسته به رژیم نیز بیکار نماندند و حوادث خونین بسیاری آفریدند. مثلا در نزدیکی قائم شهر برخوردی بین پاسدارها و مردم روی داد.

این درگیریها فقط محدود به "سیزده بدر" نبود. در مراسم چهارشنبه سوری نیز موتور سوارهای سیاه پوش که پرچمهای سیاه و قرمز داشتند بویژه در نقاط مختلف تهران به زاه افتادند و بخشی از کسانی را که از روی آتش پریدند به باد کتک گرفتند. در یکی از این برخوردها چشم جوانی به ضرب چاقوی یکی از لمپن های موتور سوار کور شد. در محله "گیشا" به گروههای خانوادگی حمله شد و ... با این حال مردم در مراسم یاد شده به وسعت شرکت کردند. نکته جالب این که حمله های عوامل فشار بی پاسخ نماند و در موارد زیادی توسط مردم ادب شدند.

خود زنی، پدیده در حال رشد

عمل "خود زنی" پدیده ای است که در جبهه ها زیاد شده است. گروهی از سربازان که چنان خود را در خطر می بینند و موفق به فرار نمی شوند، پاشلیک گلوله خود را ناقص العوض می کنند تا لااقل از آن سپری به عنوان یک معلول بتوانند به زندگی خود ادامه دهند.

در سلول های مخصوص زنان وضع بدتر است. زنان زندانی مورد شدیدترین توهین ها و آزارها قرار می گیرند. غیرانسانی ترین برخوردها از جانب زندانبانان به امری عادی تبدیل شده است. بطور مثال، یکی از زنان باردار زندانی، زمان وضع حملش فرارسیده بود و از شدت درد فریاد می کشید، می بایست به بیمارستان منتقل میشد. هم سلولی هایش فریاد زدند: "نگهبان! نگهبان!" نگهبان که به علت از خواب پریدن سخت عصبانی شده بود، از پشت در بسته پرسید: این وقت شبچه مرگتان است؟ مگر به شما اخطار نکرده بودم که حق درزدن ندارید. زنان زندانی از او خواستند تا زندانبان را خیر کند، اما نگهبان از انجام این کار سرباز زد و سرانجام وقتی زندانبان رسید که بچه متولد شده بود. از آن پس هیچ گونه امکانی برای مادر و فرزند زندانی فراهم نشد. زنان زندانی مجبور بودند از همان یکی دو دبه آبی که برای خورد و خوراک اعضای سلول آورده می شد، برای شستشوی نوزاد هم استفاده کنند.

### در زندان آغاچاری

در زندان آغاچاری، زندانبانان سیاسی را با قاچاقچیان و جانیان و معتادان در یک بند نگهداری می کنند. مسئولان زندان می کوشند تا از این طریق زندانبانان سیاسی را تحت فشار روحی و روانی قرار دهند. زندانبانان عادی به تحریک زندانبانان به آزار نیروهای مترقی در بند می پردازند و به پنهان های گوناگون می کوشند که آنان را وادار به انجام خواست های غیرمنطقی خود کنند. آنها از جمله می خواهند که زندانبانان سیاسی شعائر مذهبی را رعایت کنند. در غیر این صورت زندانی حق خوردن غذا در جمع را از دست می دهد. مجبور می شود که ظرف و پتویش را جدا کند، کسی با او دست نمی دهد. با او حرف نمی زنند و اینها همه منشاء پنهان جوییها و توهین ها و درگیری های بعدی می شود. عوامل رژیم در زندان همواره در تلاش هستند تا با ایجاد جو علیه زندانبانان سیاسی به هدف های خود دست یابند.

در این زندان، اغلب دزدها و قاچاقچیان سابقه دار و یا معتادان "ترک" عادت کرده که با شپادی ریش گذاشته اند و تسبیح به دست گرفته اند، از عوامل مورد اعتماد رژیم هستند و حتی به مقام پیشنهادی دست یافته اند و کار آنها تفسیر و آموزش رساله "امام" است.

زندان سیاسی هر دو هفته یکبار - آن هم ده دقیقه - حق استحمام دارند و در همین زمان باید لباس های خود را نیز بشویند. اما قاچاقچیان و دزدان از این جهت در مضیقه نیستند. به آنها خارج از نوبت اجازه استحمام داده می شود. رفتار نگهبانان و زندانبانان و بازجوها با آنان حسنه است. با آنها شوخی می کنند، برایشان سیگار می آورند و حتی ضبط صوت و رادیو در اختیارشان می گذارند. به آنها ملاقات های حضوری داده میشود، در حالی که گروهی از زندانبانان سیاسی به علت عدم صدور حکم، در فاصله دو سال نتوانسته اند حتی یکبار عزیزان خود را ملاقات کنند. زندانبانان سیاسی به پنهان های گوناگون از هواخوری محروم میشوند، در حالی که به دزدان و جنایتکاران حتی مرخصی داده می شود که چند روزی را نزد خانواده خود سرکنند. زندانبانان رشوه می خواهند و چون زندانبانان سیاسی حاضر به پرداخت رشوه نیستند مورد کینه و توهین آنها قرار می گیرند.

### در زندان مسجد سلیمان

مسجد سلیمان دو زندان دارد. یک زندان، زندان مخفی است که ساختمان آن پیش از انقلاب آغاز شده بود و حالا توسط رژیم ج.ا. تکمیل شده و مورد بهره برداری قرار گرفته است.

این زندان دارای سلولهای انفرادی تاریکی است که ارتباط زندانی را با دنیای خارج کاملا قطع می کنند. برخی از زندانبانان سیاسی تا مدتها پس از دستگیری در این سلولها زنده بگور می شوند. زندان دیگر دارای ساختمانی بسیار قدیمی و دارای دو قسمت معروف به زندان بالا و زندان پایین است. در این زندان حدود ۵۰۰ نفر زندانی وجود دارد. در سلول های ۴ در ۲ متر این زندان گاهی تا بیست نفر زندانی می شوند. استحمام "قانونا" ماهی یکبار است اما در عمل چند هفته ای به عقب می افتد. در حمام زندان چهار دوش وجود دارد که معمولا یکی دو تای آن خراب است و دهها نفر زندانی ناگزیر هستند که در زمانی بسیار کوتاه استحمام کنند. زندانبانان "قانونا" می توانند روزی سه بار به توالت بروند، اما علا به دلیل قطع بودن جریان آب و یا فراموشی نگهبان این "قانون" اجرا نمی شود. در مدت ربع ساعت وقتی که برای توالت داده می شود، باید ظرف ها و لباسها شسته شود، آشغال ها بیرون ریخته شود و حتی نگهبانان زندانبان را و می دارند تا در همین مدت کوتاه کف توالت ها را بشویند و لوله های گرفته فاضلاب ها را نیز باز کنند. بسیاری از زندانبانان به دلیل استحمام با آب سرد در داخل توالت، همچنین سوء تغذیه و وجود حشرات موذی - از قبیل شیش - به بیماری های مختلف دچار می شوند. بیماری های پوستی پدید می آید. بسیاری از زندانبانان از ناراحتی های کلیوی رنج می برند. به ویژه در شرایطی که زندانبانان نمی توانند به توالت بروند در صورتی که ظرف مناسبی پیدا نکنند مجبور می شوند که حتی در ظرف غذاخوری هم ادرار کنند. بوی تند و آزاردهنده ادرار فضای اتاق ها را پر و تنفس را مشکل می کند.

غذا عمدتاً قدری لوبیا یا عدس یا ماش و نان و پنیر است. زندانبانان وسیله اصلاح در اختیار ندارند و برای همه زندانبانان بالا و پایین تنها یک قیچی وجود دارد که زندانبانان از دادن آن هم اغلب دریغ می ورزند. کفش و کاپشن و حتی ساعت و اشیاء قیمتی و پول زندانبانان را ضبط می کنند. هواخوری هر دو هفته یکبار و برای هر سلول یک ربع ساعت انجام می شود، البته در صورتی که هوا ابری نباشد.

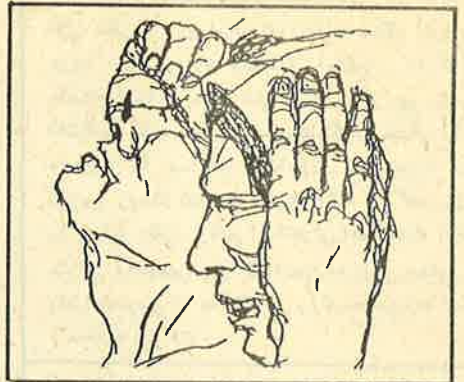
غالب اوقات زندانی را نیمه های شب از سلول بیرون می کشند، به چشمهایش چشم بند و به دستهایش دستبند می زنند و برای بازجویی به "دادگاه" می برند. "دادگاه" و در واقع اتاق شکنجه بوی خون و ادرار می دهد. در صورتی که زندانی "اقرار" نکند، مورد هجوم زندانبانان قرار می گیرد و بدن او آماج ضربات مشت و لگد و کابل قرار می گیرد.

برای آزادی زندانبانان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

## مبارزه صنفی و سیاسی زنان

امکان پذیر است و کار توده ای مادر میان زنان، هنگامی موفق خواهد بود که بتوانیم اعتماد و اطمینان آنان را به خود جلب کرده و توده های هر چه وسیع تر زنان را با خود همراه سازیم. برای نیل به این موفقیت نیز همانطور که لینین گفته است: "... در امور سیاسی نه فقط زنان کارگر و زنان حزبی، بلکه زنان غیر حزبی و ناآگاهترین زنان بایستی شرکت کنند..."

در شرایط کنونی که رژیم ارتجاعی ج.ا. می کوشد تا کلیه راه های ارتباط مستقیم و آزاد نیروهای مترقی با زنان را ببندد، برای برقراری پیوند هر چه نزدیکتر با زنان زحمتکش جامعه و تجهیز آنان با تحلیل ها و رهنمودهای راهگشای حزب توده ایران باید از هر امکان موجود از جمله شرکت در نهادهای اجتماعی و سازمان های صنفی علنی که اداره آنها به عهده کارگزاران رژیم است، بهره جست. البته این امر به معنای تأیید سیاست و تصمیمات متخذه در اینگونه سازمانها نیست، بلکه به منظور برقراری ارتباط با زنان زحمتکش کارگر، روستایی، کارمند، خانه دار و روشنفکر جامعه است. نباید به رژیم اجازه داد تا این سازمانها را مطلقاً قبضه کند و در جهت تحمیل نظرات ارتجاعی خود مورد بهره برداری قرار دهد. باید با حضور فعال و مستمر در این نهادها، رهبری آنها را در دست گرفت و آنها را به سنگری علیه رژیم بدل کرد. در یک کلام، باید زمینه ها و امکان های عملی مساعد برای کار



را با مبارزه مخفی انقلابی و روشنگری سیاسی در میان زنان جامعه پیوند داد.

برای پیشبرد کار توده ای منظم و پیگیر در میان زنان، نخست باید مکان های تجمع زنان و کلیه امکان های موجود را شناخت. در حال حاضر عمده ترین محیط های تجمع زنان عبارتند از:

محلات زندگی، اجتماعات خانوادگی، کارخانه ها، کارگاهها، ادارات، مراکز تجمع زنان روستایی نظیر کارگاههای قابلبافی، محیط ها و مراکز ورزشی زنان، دانشگاهها، مدارس، پای دیوار زندانها در روزهای ملاقات زندانیان با خانواده هایشان، بیمارستانها، انجمن های اولیا، و مربیان، صفوف ارزاق عمومی، نفت و ... کلاسهای خیاطی و کارهای دستی، کلاسهای نهضت سوادآموزی، دوره های امدادگری (کمک های اولیه پزشکی)، و بطور کلی در هر سازمان

## صنفی و گروه بندی اجتماعی علمی و قانونی.

وظیفه خطیر زنان مبارز توده ای است تا در لحظات حساس و سرنوشت ساز از طریق حضور در مراکز تجمع فوق الذکر، برقراری پیوند و ارتباط هر چه وسیع تر و پیگیرتر با زنان زحمتکش را در دستور روز قرار دهند. باید به ترویج، تبلیغ، سازماندهی و تجهیز توده های وسیع زنان همت گمارد، آنان را با حقوق شان آشنا ساخت و راه دستیابی به این حقوق را که همانا مبارزه متحد و متشکل زنان است به آنها نشان داد.

اعضا و هواداران حزب باید در مبارزه روزمره محرومان کشور به ویژه در میان زنان کارگر، روستایی و زحمتکش شهری حضور یابند و آنان را به ضرورت وحدت عمل واقف سازند، امکان ها و شرایط محیط کار و زندگی آنان را بدرستی ارزیابی کرده و با اتخاذ تاکتیک های مناسب و شیوه های عمل ممکن، مبارزه را در پیوند با زنان زحمتکش پیش ببرند. باید به زمینه های نارضیاتی های در حال تکوین توجه داشت، آنها را مورد بررسی و تحلیل قرارداد و با خلاقیت و ابتکار، راه حل های مقتضی را تشخیص داد و در مبارزه به کار بست. با توجه به امکان ها و شرایط، برای سازماندهی و بسیج زنان در مبارزه علیه حاکمیت ضد مردمی ج.ا. می توان از نارضیاتی های عمومی در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در میان زنان استفاده کرد. از فشار و محرومیتی که زندگی خانواده های زحمتکش شهری و روستایی را در منگنه قرار داده است، می توان به عنوان محرک مبارزه توده ای بهره جست. از آن جمله:

افشاکری در میان زنان درباره عواقب شوم ادامه جنگ خانمانسوز (با ذکر آمار و نمونه های زنده در زندگی جاری)، جلوگیری از اعزام نزدیکان آنان به جبهه های بی بازگشت، ممانعت از شرکت زنان در دوره های آموزش نظامی، تشویق آنان به شرکت هر چه فعالتر در تظاهرات صلح و کار در میان خانواده های قربانیان جنگ.

اعتراض دسته جمعی زنان و تهیه طومار در رابطه با اخراج های بی رویه، به تعویق افتادن حقوق ماهانه، کسر کردن حقوق و اختصاص دادن بخشی از حقوق به جبهه های جنگ، نداشتن سرویس ایاب و ذهاب، فقدان نهارخوری و مهدکودک و شیرخوارگاه برای مادران شاغل، اعمال سختگیری های بی رویه در رعایت "حجاب اسلامی" ....

مقاومت و ایستادگی زنان در برابر مصوبات و دستورالعمل های ارتجاعی حاکمیت ج.ا. نظیر قانون قصاص، حق حضانت فرزندان، تجویز ازدواج های موقت و تعدد زوجات از سوی رژیم ....

افشاکری درباره فساد، ارتشاء و اختلاس عوامل رژیم در دستگاه های دولتی. شرکت در اعتراض های توده ای بخاطر کمبود ارزاق عمومی، گرانی و تورم، کمبود سوخت، قطع آب و برق، بی سرپناهی و گرانی اجاره بهای منزل.

مقاومت مادران نسبت به پرداخت شهریه

## سیاست ضد خلقی

است هیچ وجه مشترکی با منافع واقعی مردم ایران و خلق های منطقه ندارد و بهترین نام برای چنین سیاستی همانا سیاست ضد خلقی است.

اما اگر این سیاست نابخردانه سران جمهوری اسلامی را در روشنایی سیاست جهان سالاری نوین (نئوگلوبالیسم) امپریالیسم آمریکا بنگریم جنبه های بسیار خطرناکتری از آن نمایان می گردد. امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان می کوشد با تحریک جنگ های منطقه ای و دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی و تهدید فاجعه جنگ هسته ای، سیادت مطلق خود را بر سراسر جهان برقرار کند و با لگدمال کردن استقلال و حق حاکمیت دیگر خلق ها، همه را بنده و برده امپریالیسم سازد.

هر کسی، به هر دلیل، اگر از خاموش شدن کانون های جنگ جلوگیری کند و یا به آنها دامن بزند عملاً آب به آسیاب امپریالیسم می ریزد و استقلال و حق حاکمیت خود را نیز به بازی می گیرد. کسانی که شعار "مرگ بر آمریکا" را روزی هزاران بار تکرار می کنند باید بدانند که اگر منظورشان در واقع امپریالیسم تجاوزکار آمریکا باشد می بایست برآستی در سراسر جهان برای صلح و آرامش بزمند. در دنیای کنونی، مرگ امپریالیسم تنها از راه برقراری صلح و امنیت بین المللی تامین می شود. برای کسانی که واقعا به استقلال و حاکمیت خود علاقمندند و به استقلال و حق حاکمیت دیگر کشورها احترام می گذارند قطع جنگ های محلی که تنها و تنها بسود امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم تجاوزکار آمریکا است حداکثر ضرورت را دارد. روشن نگهداشتن آتش در کانون های جنگ به زبان استقلال و حق حاکمیت همه کشورها و تهدید برای خود زندگی در سیاره شکننده ماست.

تبلیغ اصالت جنگ حتی اگر بخاطر پیروزی والاترین آرمان های انسانی باشد در دنیای امروز نقض غرض است چه رسد به جنگ هایی که برای صدور خرافه و جهل و جنایت به کشورهای همسایه باشد. پس به جرئت می توان گفت که سیاست "صدور انقلاب" سران جمهوری اسلامی که به صورت "جنگ جنگ تا رفع فتنه از جهان" بیان می شود سیاستی است ضد خلقی و ضد ملی.

برای تحصیل فرزندانمان.

افشاکری درباره رشد اعتیاد و فساد در جامعه. اعتراض نسبت به کمبود امکانات، وسایل و فضای ورزشی برای زنان.

پخش تراکت در منازل و محیط های کار (در مراکز تجمع زنان).

ضروری است که زنان مبارز توده ای، در کنار این فعالیت ها، هدف های حکومت ملی و دمکراتیک را به ویژه در رابطه با حقوق زنان به آنان بشناسانند. اتحاد خود را با دیگر نیروهای مترقی و انقلابی حفظ کنند. اصول پنهانکاری را اکیداً رعایت کنند و بدانند که حفظ شکیبایی، پیگیری و کاربست خلاقیت و ابتکار رمز موفقیت ماست.

# ضرر به نابودکننده بر ضد انقلاب در افغانستان

ارتش افغانستان پایگاه بزرگ ضد انقلاب را در " ژاوارا " ( سه کیلومتری مرز پاکستان ) نابود کرد. " ژاوارا " نیرومندترین " تکیه گاه دشمن و دارای انبارهای زیرزمینی با سنگرهای پتئی بود. هنگام نابودسازی آن مقادیر هنگفتی جنگ افزار و از جمله موشک های ضد هوایی ساخت انگلستان و موشک های ضد تانک به غنیمت گرفته شد.

پایگاه " ژاوارا " در نزدیکی شهر هست - مرکز شهرستانی به همین نام قرار داشت. پس از ده کیلومتره دشت درادور شهر، سلسله کوه هایی آغاز می شود که با گیاهان کوتاه پوشیده شده است. وجود دره های تنگ و راه های صعب العبور انگیزه ایجاد بزرگترین پایگاه در جنوب شرقی افغانستان، طی چند سال توسط دشمن بود.

اما کوه ها که دشمن می خواست آنها را به متحد " خود تبدیل کند، نتوانست در لحظات سرنوشت ساز به او کمک کند. در نتیجه عملیات پردامنه ارتش افغانستان کنام دشمنان در منطقه " ژاوارا " بطور کامل نابود شد.

چند روز پس از پایان نبرد بسیاری واقعات در مورد نقش این " دژ " ضد انقلاب برملا گردید. سرکردگان و حامیان غربی ضد انقلاب، به پایگاه خود در " ژاوارا " اهمیت زیادی می داده اند و آن را دژی تسخیرناپذیر می پنداشته اند.

درواقع هم این دژ به پایگاه شباهت داشت و دارای خط دفاعی و مجهزه وسایلی بود که کارشناسان غربی آنها را مطابق آخرین دستاوردهای تکنیک مهندسی ساخته بودند؛ یک سیستم آتش دقیق که بلندی های استراتژیک اطراف، در آن مورد استفاده قرار گرفته بود، شبکه نیرومند و بخوبی سازمان یافته دفاع ضد هوایی که در آن موشک های " زمین - هوا " ( از جمله موشک های مدرن انگلیسی " جولین " ) نیز وجود داشت، تاسیسات توپخانه کوهستانی ارلیکسونی " ( موشک های ضد هوایی ساخت سوئیس ) و مسلسل های با کالیبر بزرگ که می توانند به هدف های هوایی شلیک کنند و غیره.

سیستم دفاعی " ژاوارا " با توپخانه سنگین و موشک های مستقر در خاک پاکستان - در سه کیلومتری این پایگاه تکمیل می شد. چرا از این پایگاه با این دقت مراقبت می کردند؟

نخست به این علت که این پایگاه یک مرکز عملیاتی بود که رهبری حملات راهزنان را در ولایات شرقی و مرکزی افغانستان و از جمله در کابل بعده داشت و ضمناً مرکز رادیویی دشمن در آنجا قرار داشت.

دوم از این جهت که دارای ۴۹ انبار اسلحه،

مهمات، پوشاک و موادغذائی بود که باند های راهزنان را مجهز می کرد، در عین حال مرکز آموزش دشمنان، برای بالابردن " تخصص " آنان در آدمکشی و غارت، بشمار می رفت. در آنجا کارخانه ای برای ساختن فشنگ ایجاد شده بود که دارای ماشین های خودکار و خط زنجیر برای پرکردن گلوله تفنگ های انگلیسی " بور-۲۰۲ " و مسلسل های با کالیبر بزرگ و همچنین دارای کارگاه های اسلحه سازی بود.

از این گذشته کارگاه تعمیر اتوموبیل، بیمارستان، داروخانه، انبارداروها، زندان برای نافرمانان و بالاخره ویلاهای متعلق به سران ضد انقلاب و مربیان خارجی و همچنین رستوران خوشگذرانی آنان در این پایگاه قرار داشت.

ایجاد این مجموعه تصادفی نبود. دشمنان هدف های دور درازی در سر داشتند و در حساب آخر می خواستند در آنجا یک " دولت اسلامی افغانستان " سرهم بندی کنند. حفاظت از این پایگاه به عهده یک هنگ ویژه از آدمکشان به فرماندهی جلال الدین نزدیکترین دستیار حکمت یار، سرکرده " حزب اسلامی افغانستان " گذاشته شده بود.

اما علیرغم شرایط نامطلوب طبیعی و جوی وزیر آتش شدید دشمنان و از جمله توپخانه پاکستان، سربازان ارتش افغانستان موفق شدند جاده های لازم برای عبور وسائل نظامی را بسازند. و هنگامی که نیروهای خود را در اطراف " ژاوارا " متمرکز کردند ضربات سرنوشت ساز را بردشمنان خلق وارد آوردند.

راهزنان با بجای گذاشتن تعداد پرشماری کشته و زخمی، جنگ افزارها و مهمات مجبور شدند به پاکستان فرار کنند. ده موضعی که برای شلیک گلوله های راکتپو به دستور حکمت یار با سرعت از پیشاور به آنجا منتقل شد نیز نتوانست به آنان کمک کند، جلسات متعدد مشاوره در پیشاور و اسلام آباد با شرکت مشاوران آمریکایی و همچنین متمرکز کردن ارتش پاکستان در مرز و حتی اعزام ۲۰۰ سرباز پاکستانی به پایگاه ها که لاشه های آنان در زمین " ژاوارا " باقی ماند نیز بی نتیجه ماند.

پس از فرار راهزنان چه چیزهایی در کنامشان باقی مانده بود؟ تل هائی از اسلحه و مهمات دور انداخته شده، قطعات اسقاط فلز برای فرستادن به پاکستان، اتوموبیل های له شده و غیره.

طی این عملیات ۲۵۲ موضع آتش نابود شد، ۶۰۰ مین ضد تانک و ۱۲۰۰۰ مین ضد نفرات خنثی و نابود گردید. ضد موشک و موشک انداز، هزاران بقیه در ص ۴

## فدراسیون سندیکایی جهانی رژیم خمینی را افشا میکند

فدراسیون سندیکائی جهانی که بیش از ۲۷۰ میلیون کارگر را در ۱۲۸ کشور جهان در بر میگیرد، بخش مهمی از نشریه ماهانه خود " جنبش جهانی سندیکائی " ( مارس ۱۹۸۶ ) را به مطلبی در مورد ایران اختصاص داده است.

در آغاز این مقاله که تحت عنوان " اعاده صلح ودمکراسی " درج شده، آمده است: " شیخ مرگ با شنیدن شعار " جنگ، جنگ تا پیروزی " که هر روزه توسط رهبران رژیم و پاسداران متعصبش تکرار میشود، بر سر هر خانواده ایرانی به پرواز درمی آید."

مقاله می افزاید که اعتراض زحمتکشان که از شهر و روستاها، کارخانجات و مدارس با فریاد " جنگ دیگر بس است " بگوش می رسد، هر روز ظنبن محکمتری می یابد.

مقاله سپس به تورم افسار گسیخته، فقر روز افزون توده های زحمتکش و به فر به تر شدن متقابل مشتی تاچر و سرمایه دار اشار میکند و درمورد رشد بیسابقه بیکاری و علل آن، می نویسد: " اگر چه این درست است که سرمایه داری وابسته ای که محصول رژیم شاه است، شرایط لازم را برای تشدید فقر و بیکاری در کشور فراهم ساخت، ولی مقصر اصلی وضع موجود رژیم جمهوری اسلامی است که به آمال کارگران ایران خیانت کرد."

نشریه " جنبش جهانی سندیکائی " در ادامه به نقش مخرب ووبرانگرا نه ادامه جنگ ایران و عراق می پردازد و تشدید استثمار کارگران و اعزام آنها به جبهه های جنگ را از سوی رژیم، افشای می کند. نشریه سپس کارگران جهان را با وضعیت نا بسامان کشاورزی و مهاجرت روز افزون روستا ثیان به شهرها آشنا می کند و رژیم را بدلیل طفره رفتن از اجرائی اصلاحات ارضی مترقی و همچنین باز گرداندن تدریجی صنایع به بخش خصوصی که به بیکاری و رکود دامن زده است، محکوم می کند.

**وحدت عمل برای نجات**

**جان زندانیان سیاسی،**

**وظیفه عاجل نیروهای**

**دمکراتیک و مترقی است!**

NAMEH  
MARDOM  
No: 105

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

5, June, 1986

**جبهه متحد خلق ضامن پیروزی است!**